

نگاه‌س دیگر به شهر آشوب در تعریف اصفهان^۱

سیدمرتضی طاهری برزکی^۲

مقدمه:

"در تعریف اصفهان، عنوان رساله‌ای است از اعجاز هروی، در باب برخی از ویژگی‌های شهری و مردم‌شناسی شهر اصفهان که دوره صفویه نگاشته شده است. نگارنده در این مقاله بر آن است تا معرفی کوتاهی از این رساله به عمل آورد. پیش از پرداختن به این مقاله ضروری است تعریف کوتاهی از شهر آشوب، به عنوان یک نوع، از انواع ادبی ارائه شود و مؤلف آن نیز به اختصار معرفی گردد.

شهر آشوب^۳

شهر آشوب، در لغت، صفت کسی است که "در حسن و جمال، آشوبنده شهر و فتنه دهر باشد"^۴ چنانچه حافظ گوید:

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را^۵

اما در اصطلاح، یکی از انواع ادبی^۶ است که بیشتر به صورت شعر و در قالب قطعه، قصیده، رباعی، عزل و مثنوی سروده شده، و دارای ۲ معنی مصطلح زیر

است:

^۱ - رساله مزبور یک بار در سال ۱۳۵۱ به اهتمام محمدتقی دانش پژوه در جلد هجدهم «فرهنگ ایران زمین، صص ۱۷۳ - ۱۹۴» به طبع رسیده است؛ ضروری بود بحثی در مورد این رساله و نویسنده آن صورت بگیرد، که نگارنده در این مقاله به آن پرداخته است.

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

^۳ - برای اطلاع بیشتر از شهر آشوب، نگاه کنید به کتاب شهر آشوب در شعر فارسی از احمد گلچین معانی، و همچنین کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی از محمدجعفر محجوب، صص ۶۷۷ - ۶۹۹.

^۴ - لاله نیک چند بهار، بهار عجم به کوشش کاظم دزفولیان، تهران، انتشارات طلایه، س ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۴۲۷؛
آندراج، محمدپادشاه متخلص به «شاد»، فرهنگ آندراج، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات خیام، س ۱۳۳۶، ج ۴، صص ۲۶۹۶.

^۵ - حافظ، دیوان، به کوشش قزوینی، محمد و قاسم غنی، تهران، انتشارات زوار، س ۱۳۸۱، صص ۴۳.

۱) به شکل ترکیب وصفی، "نظمی است که مدح یا ذم اکثر مردم شهر در آن باشد" ^۷ مانند: شهر آشوب آگهی خراسانی (د ۱۹۷۹ق / ۱۵۷۱م) که قصیده‌ای است در هجو مردم هرات. ^۸

۲) "هر نوع شعری که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفت و صنعت ایشان سروده شده باشد" ^۹ مانند: شهرانگیز سیفی بخاری (۹۰۹ق / ۱۵۰۳م) موسوم به "صنایع البدایع" و شهر آشوب لسانی شیرازی (۹۴۰ق / ۱۵۳۳م) که عنوان "مجمع‌الانصاف" را نیز دارد. ^{۱۰}

برای سرودن شهر آشوب نوع خاصی از شعر در نظر گرفته نشده است، ولی با مقایسه آنها، دریافته می‌شود شهر آشوب‌هایی که برای صفت پیشه و پیشه‌وران سروده شده، بیشتر در قالب رباعی است. و آنچه که در مدح یا ذم مردم یک شهر گفته شده، غالباً به صورت قصیده و مثنوی است. ^{۱۱}

شهر آشوب در ادب فارسی پیشینه طولانی دارد، و قدیمی‌ترین آن قطعه مختلف الوزنی از مسعود سعد (د ۵۱۵ق / م) ^{۱۱} در قدح و مدح پیشه‌وران و اهل صنایع است. دستاویز وی در این کار وصف معشوقی بوده که آن شغل را پیشه داشته است. ^{۱۲}

از شهر آشوب با عناوین مبالغ‌آمیزی از جمله: شهر انگیز، عالم آشوب، دهر آشوب، جهان و فلک آشوب نیز یاد شده است. ^{۱۳}

تا کنون تعداد ۵۰ شهر آشوب منظوم توسط گلچین معانی در کتاب "شهر آشوب در شعر فارسی" معرفی شده است. ^{۱۴}

به غیر از شهر آشوب‌های منظوم، که تعداد آنها نیز نسبتاً زیاد هست، دو شهر آشوب منثور نیز به جای مانده است از جمله: شهر آشوب ملا اعجاز هراتی در تعریف اصفهان و دیگری شهر آشوب میرزا محمد شفیع که معاصر شاه سلطان حسین صفوی است. ^{۱۵}

بیشتر از شهر آشوب‌های موجود در زبان فارسی، به غیر از قدیمی‌ترین آنها، متعلق به دوران صفوی است. ^{۱۶} با توجه به رواج شهر آشوب در دوره صفویه و اینکه اصفهان پایتخت صفویان در این دوره بوده است، به خودی خود، شهر آشوب اعجاز هروی اهمیت پیدا می‌کند.

^۷ - لاله تیک چندبهار، بهادر، آندراج، همانجاها؛

^۸ - گلچین معانی، احمد، شهر آشوب در شعر فارسی، تهران، روایت، ۱۳۸۰ش؛ ص ۸۸ - ۹۰؛

^۹ - همو، ص ۲-۳؛

^{۱۰} - گلچین معانی، احمد، ص ۳؛

^{۱۱} - مسعود سعد دیوان اشعار، به کوشش مهدی نوریان، انتشارات کمال، س ۱۳۶۴، ج ۲، صص ۳۵، ۵۹، ۹۱؛

^{۱۲} - محجوب، محمدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران، دانشسرای عالی، ۱۳۵۰ش؛ ص ۶۸۱ - ۶۸۴؛

^{۱۳} - گلچین معانی، همانجا؛

^{۱۴} - همو، صص، ۱۴، ۲۷۷؛

^{۱۵} - همو، صص ۳۰۰، ۳۰۱؛

^{۱۶} - محجوب، ص ۶۹۷؛

اعجاز هروی، از شاعران و ادیبان پارسی‌گوی در سده ۱۱ق / ۱۸ م است. علی حسن‌خان^{۱۷} و نصرآبادی^{۱۸}، که با وی آشنایی نزدیک داشت، نام او را "ملاعظ" ثبت کرده است؛ اما واله داغستانی این نام را "ملاعظام" دانسته است.^{۱۹} اعجاز از مردم هرات بود. او دوبار به اصفهان سفر کرد و بار دوم در این شهر اقامت کرد و در همان جا نیز درگذشت.^{۲۰} نخستین سفر وی به اصفهان، در دوره شاه سلیمان صفوی (حک، ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ق / ۱۶۶۶ - ۱۶۹۳م) بود که در بازگشت از مکه به این شهر رسید. او در قالب مدیحه، به بذله‌گویی درباره شهر اصفهان پرداخت. این موضوع رنجش خاطر نصرآبادی را برانگیخت به گونه‌ای که وی چند فقره نثر در جواب اعجاز نوشت و او را به پوزش وا داشت.^{۲۱} البته این موضوع، مانع از آن نگردید که نصرآبادی به قدرت شاعری او معترف نگردد؛ چنان که از وی با تغییراتی چون "قطب فک سخنوری" یاد کرده است.^{۲۲} موضوعی که علی حسن‌خان، هم از آن غافل نبوده و "واردات طبع" به دل‌نشینی پهلوی زن معجزات: دانسته است.^{۲۳}

آثار اعجاز

از اعجاز هروی، آثاری به نظم و نثر باقی مانده است که عبارتند از:

(۱) دیوان، مشتمل بر قصاید، عزلیات و رباعیات.

(۲) مثنوی و قضا و قدر،

(۳) رساله تعریف اصفهان^{۲۴}، این رساله، شهرآشوب مثنوی است که به نام "منشآت شیرین اعجاز هروی" نیز خوانده می‌شود.^{۲۵} رساله دارای نثر مملو از صنایع ادبی و آمیخته به نظم است و در هر عنوان شعری از مؤلف ذکر شده است. دانش پژوه معتقد است که این رساله از نظر شناخت اصفهان و مردم آن شهر در دوره صفویه بسیار سودمند است.^{۲۶}

^{۱۷} - علی حسن‌خان بهویالی بن صدیق حسن‌خان، صبح گلشن، به کوشش مولوی محمد عبدالمجید خان، بهوپال، مطبع فیض شاهجهانی، ۱۲۹۵ق ص ۲۷؛

^{۱۸} - نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، تذکره الشعراء، مقدمه، تحقیق و تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ش؛ ج ۱، ص ۵۸۳؛

^{۱۹} - واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعراء مقدمه تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۲۸۲؛

^{۲۰} - نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۸۴.

^{۲۱} - نصرآبادی، واله داغستانی، همانجاها؛

^{۲۲} - نصرآبادی، همانجا؛

^{۲۳} - علی حسن‌خان، همانجا؛

^{۲۴} - از این رساله دو نسخه موجود می‌باشد یکی به شماره (۳۰۳۴) مذکور در جلد دهم فهرست کتابخانه مرکزی (۱۹۷۳) و دیگری مجموعه شماره (۲۵۹۱) مذکور در جلد نهم فهرست همان کتابخانه (ص ۱۳۹۷، فقره ۲۶).

^{۲۵} - دانش پژوه، منوچهر، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش؛ ج ۹، ص ۱۳۹۷؛ ج ۱۰، ص ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴؛

^{۲۶} - دانش پژوه، همان، ج ۱۰، ص ۱۹۷۳.

مقدمه، تمهید بساط عیش، تعریف بهار، اسامی مقامات، دیباچه، اسامی حمامات، جوش و خروش مردم در دشت و جوباره، اظهار خانه اشعار عوام الناس، بزازان، خیاطان، صفت زرگرها، صفت کمانگیر، شمشیرگیر، صفت ازدحام، اسامی قهوه‌خانه‌ها، اسامی خواتین که پتپاره آمده‌اند، اسامی محلات شهر اصفهان، ساز و برگ خاص و عام این گروه و میل خواه، فروش مجلس انبساط، کیفیت بزم، شعرای محفل، حکمای بزم، صحبت کتاب، علمای طریقت، اطعمه و اشربه مایحتاج، فراغ کوب آتش‌بازی، هنگاح رسن بازی، ماحصل کلام.

و پس از این موارد، چند حکایت را از بوزرجمهر، افلاطون، سقراط ذکر می‌کند و سپس با سخنی از پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) به نثر عربی رساله را به پایان می‌رساند.

این رساله شامل اطلاعات درباره شهر اصفهان می‌باشد از جمله:

- (۱) **اسامی حمامات:** اعجاز هرچند اسامی حمامات را به صورت جمع‌آوری است ولی فقط از یک حمام با عنوان گلخن حمام "مطبع شاهی" نام برده است و به جزئیات این حمام نیز اشاره‌ای ندارد. وی پس از چند عبارت، ابیاتی را در وصف حمام و موارد مرتبط به آن مانند: گرمابه، دلاک، سنگ پا، جامه و... می‌سراید.
- (۲) **بازار مسگران،** که آن را اینگونه توصیف می‌کند، "سنگ تراشان بیستون ثنائی نقاره بلند آوازگی طاس فلک را به بام بازار مسگران^{۳۷} برده صدای رشک بر لب طاس فلک انداخته ..."
- (۳) اشاره به جوش و خروش مردم "در دشت" و "جوباره" و گلگشت "گشاده جبینان" و ابرو گزینان "این دو محله قدیمی شهر اصفهان. اما در مورد این محله‌ها مطلب خاصی را بیان نمی‌کند و فقط ابیاتی را از زبان کسانی که به رسم نظاره آمده بودند را بیان می‌کند

از دردشت در او شعب جوباره بین	هفت اقلیم در آینه نظاره بین
در صفهان زقضا نقش جهان خوب‌نشست	عالمی در سفرش از وطن آواره بین
....	
بی تو اعجاز جدا از دل و دین می‌گردد	رحم کن بی‌کسی عاشق بیچاره بین

(۴) اشاره به مسجد شاه ذیل اسامی قهوه‌خانه‌ها.

(۵) اشاره به بازار قاز ذیل اسامی خواتین ...

(۶) اعجاز با زبان مجاز اشاراتی به اسامی محلات شهر اصفهان دارد، این قسمت برای شناخت اصفهان از اهمیت بیشتری نسبت به سایر رساله برخوردار است و شامل اسامی خاص زیر می‌باشد: در امام، سلطان سنجر و شیخ یوسف‌نبا، تختگاه هارون ولایت، کوچه‌نو، منارکله، کوی گنبد، در کوشک، آتسگاه گبران، تخت فولاد، خیابان شبکه، آق نبات فروشان دارالطبخ، چارسوی نمکی، شهرکهنه، باغ سهیل، رواق طوقچی، جامع کبیر، کوچه آردفروشان، صوفیه لبنان مسجد کوچی و ذوالفقار، بواسحاقیه، کوچه حکمیان

(۷) نام بردن از حرف و پیشه‌های رایج در عصر صفویه در اصفهان از جمله: خیاطان، زرگرها، کمانگیر، شمشیرگیر، مسگران.

۸) ذکر کردن اسامی **قهوه‌خانه‌ها و خواتین**، ولی اعجاز ذیل این دو عنوان هیچ اشاره‌ای به نام خاصی نمی‌کند و با زبان مجاز و بیان شاعرانه، فقط به

لفظی می‌پردازد و اطلاع خاصی را در بر ندارد.

۹) در ذیل تعریف بهار، اعجاز اشاره می‌کند که در این فصل بهار " رنگین نگاهان این دیار " (اصفهان)، " با چشم سرمه‌دار به سیر **چهارباغ** جنت ائمار

روند.

۱۰) اشاره به " **مناره گلبار** " ذیل فروغ کوکب آتش بازی و در این بیت:

تیر او در هوا شرر بار است راست گویم منار گلبارست

۱۱) اشاره به رسم **رسن بازی در اصفهان** و وصف حرکت ریسمان‌باز در چند بیت زیر:

همچو همت بلند پروازی	می‌کند جلوه ریسمان بازی
از عرب تا عجم هزار اسیر	دارد از شیوه نگار دلیر
که تمکین و گاه بی(با) لنگر	بدم آید بصارتی به نظر
لیک هربرگش از گلستان‌یست	گرچه گلدسته به سامانیست
دلش از شیر و جراثش ز پلنگ	تن خطای و چهره کار فرنگ
ساده‌ای در نهایت رندی	ساق کشمیری و کمر هندی
طره حور پیچ و تاب زند	پای نازک چو بر طناب زند
کند آهنگ جلوه در تک وتاز	برفلک چون شود کمند انداز
کاکلش زلف آفتاب شود	لنگرش رهن شهاب شود

اعجاز در این شهر آشوب از ترکیبات و اصطلاحاتی در باب کتابت، موسیقی، نجوم، شطرنج، و... استفاده کرده است که چند نمونه در زیر ذکر می‌شود:

۱) ذکر اصطلاحات و لوازم کتابت و خطاطی مانند "خامه"، "کاغذ ابری"، "صفحه"، "لیقه دوات" و...

در تعریف از بهار

۲) بیان اصطلاحات و مقام‌های مربوط به موسیقی، از جمله: "ابیات"، "نیشابور"، "حجاز"، "قانون"، "دوگاه"

۳) ذکر اصطلاحات نجومی مانند: "حضیض"، "رجع"، "اقبال" و...

۴) ذکر اصطلاحات مربوط به شطرنج مانند: پیاده، فرزین، اسب‌فیل، شاه‌رخ و...

۵) آوردن ترکیباتی تازه همچون: "بزم هواپرستان"، "دستک زدن چنار، صدای قانون آبشار، و معلق‌زدن بید مجنون نژاد، جلوه سرو آزاد

مژگان" و... در توصیف بهار.

اعجاز آشنایی بسیاری با انواع قالب‌های شعری و شاعران و حکیمان و فلاسفه پیش از خود، داشته است و پس از ذکر: کیفیا بزم

"، در مورد شعرای

محفل، حکمای بزم و صحبت کتاب اینگونه می‌گوید:

شعرای محفل: خاقانی مشعل، انوری چراق، فردوسی بهار، سنایی، حدیقه، سعدی گلستان، جامی ساغر، فغانی آواز، سجایی ابر، زلالی آب.

حکمای بزم، افلاطون خم، ارسطو مینا معلم اول پیاله، ابونصر فارابی نغمه گو بالا، شادی غلام این بزم بانوا.

صحبت کتاب: قصیده کلیات مثنوی دست ارژن، خمسه مخمس، رباعی چهارپار، ترکیب‌بندی بحرطویل، قصه غزل، قول نغز آوا، معمای موشکافی (معما ایمای

ابرو)^{۲۸}، قطعه معنی، ترجیع بازگوی سخن، مصرع پیشرو. اعجاز در پایان این رساله هدف از نوشتن این رساله را در تحت عنوان "ماحصل کلام" اینگونه ذکر می‌کند:

ماحصل کلام: "حقیقت بذله سنجی این داستان سراپا مجاز واصل این گلبن رنگین ادای شگفتی طراز اظهار شکر امنیت عالم صورت و معنی ساکنان عرصه دلگشای

ایرانیست که از فیض بهار هجران آن دولت ابدی اتصال روزافزون اعلی حضرت صاحبقرانی دراز دستی فساد مستی از کریمان هوش دعا گویان (هوشمندان دعا شعر)^{۲۹}

جان نثار کوتاه گردیده، دختر رز که فتنه حوران و ام الخبانت بزم رندان بود از عارضه منع بیخودی خود را همشیره کوکنار خوانده و هاله هلال از بیم‌شگر دی چشم

کواکب از باده جام خورشید خالی مانده، اگر شبنم مستانه غلطیده تازیانه نسیمش از سیاه چاه لاله انداخته و اگر بوی تر دماعی گل به مشام شاخچه بندی خار خورد، زرش

از میان رفته و برگ عیش را از کنار انداخته، آهو از بیم آنکه مستی را به چشمش نسبت به داده‌اند از سایه خود رم کرده وحشی بیابان خطاست و اگر پای لاله در کوه به

سنگ آمده دست خورش در گردن دامن صحراست؛ گدا اگر کاسه طنبور به دست گیرد در هیچ مقامی درنگ نتواند نمود...".

نتیجه

هر چند این رساله جز و معدود شهر آشوب‌های مثنوی فارسی است و با توجه به اینکه شهر اصفهان در دوره صفویه پایتخت ایران بوده است، گمان می‌رود که این

رساله که با عنوان "در تعریف اصفهان" است، اطلاعات جامعی از شهر اصفهان، مردمان این شهر و همچنین وضعیت اجتماعی در دوره صفویه را ارائه دهد، و اطلاعات

تاریخی مفیدی را بر داشته باشد ولی این رساله اهمیت دیگر شهر آشوب‌های منظوم به جا مانده را ندارد و دلیل این امر را هم توان اینگونه گفت که اعجاز هروی بیشتر

خواسته است که قدرت خودش را در نویسندگی و شاعری نشان می‌دهد و کمتر به معرفی شهر اصفهان و آداب و رسوم و ... آن دوره پرداخته است و اگر در رساله‌اش

اشاره‌ای نیز به اسامی محلات شهر اصفهان و دیگر موارد ذکر شده می‌پردازد، تنها به ذکر نام آنها بسنده نموده است و هیچ گونه توضیح بیشتری می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{۲۸} - در نسخه ۲۵۹۱ (معمای ابرو) آمده است

^{۲۹} - در نسخه (۲۵۹۱ هوشمندان دعا شعر) آمده است.